

صحبت می‌کرد و در خارج از بند نیز با زندانیان سیاسی مرد بحث و گفتگو داشت. او ساعاتی از شب و روز را به خواندن سرودهای انقلابی و رقص می‌گذراند. دوست نابینایش نیز او را همراهی می‌کرد. او خودش سرود می‌خواند و به همراهش می‌رقصید. به محض این که صدای خواندنش بلند می‌شد، چند تا از زندانیان عادی هم به اتاقشان می‌آمدند و با او شروع به رقص می‌کردند. آمدن آن‌ها برایم تجربه و اطلاعات جدیدی به همراه داشت. چون آن‌ها را از زندان‌های دیگر آورده بودند، می‌توانستیم تقریباً با وضعیت سایر زندان‌های ترکیه هم آشنا شویم. او می‌گفت در زندان دیگری بوده که از امکانات زیاد کتاب و روزنامه برخوردار بوده است. همه گروه‌ها می‌توانستند به نوعی نشریات گروه‌هایشان را به دست آورند. خودش نیز نشریه PKK را مرتب داشته است. می‌توانسته‌اند با بند پسرها رابطه برقرار کنند ولی محدودتر از زندانی که در آن بودیم. من گفتم در زندان‌های ایران، جوی جز رعب و وحشت حاکم نیست. حتی زندانیان سیاسی زن نمی‌توانند به راحتی دور هم بنشینند و مطالعه کنند و یا حتی روزنامه بخوانند. او نمی‌توانست شرایطی که بر ما حاکم بوده و در حال حاضر حاکم است را درک کند. می‌گفت شرایط در زندان‌های ترکیه مختلف است در حالی که در یک زندان، زندانیان از امکانات قابل ملاحظه‌ای برخوردارند، در زندان دیگر سرکوب و فشار حاکم است ولی با این حال من به او می‌گفتم این فشار و سرکوب طاقت‌فرسا شبانه‌روزی و دائمی نیست و فکر نمی‌کنم تا به آن حد باشد که انسان مرگ را ترجیح بدهد. متأسفانه همانطور که گفتم مشکل زبان نمی‌گذاشت که دقیقاً از شرایط زندان‌های آن‌ها اطلاعات به دست آوریم و در مورد خودمان هم به روشنی شرایط خفقان و قرون وسطایی حاکم بر زندان‌های ایران را برایشان توضیح دهیم. آنچه که به عینه می‌دیدیم رابطه او را با زندان‌های دیگر که به راحتی می‌توانست لباس‌های نو، از همه نوع را تازه از زندان‌های دیگر و یا از طرف خانواده‌ها رسیده بود، جمع‌آوری کند و به زندان‌های دیگر بفرستد و حتی خودش موقعی‌ای که آمد، مقدار زیادی لباس نو و وسایل دیگر به همراه داشت که به زندان دیگری فرستاد. تا موقعی که ما آنجا بودیم، آن‌ها چندین بار بسته‌های گونی‌مانند پر از وسایل نو را دریافت کردند که از زندان‌های دیگر آمده بود که می‌خواستند به زندان دیگری بفرستند. آن‌ها

حتی در زندان موقتی که ما بودیم نشریات PKK را دریافت می کردند. از جمله مراسم سالگرد تاسیس PKK را برگزار کردند. حدود یک هفته‌ای آن‌ها دائماً در رفت و آمد بودند. مواد خوراکی تدارک می دیدند که عمداً در ملاقات خانواده‌هایشان به‌طور خاص به مقدار زیادی آورده بودند. یک روز ما را دعوت کردند به بند زندانیان سیاسی مرد برای شرکت در جشنی که به مناسبت سالگرد تاسیس حزبشان بود، برویم. در حقیقت بند مخصوص بچه‌های پسر PKK بود آن‌ها تمام راهرو بند را ردیف به ردیف صندلی چیده بودند و در فاصله صندلی‌ها میزهایی پر از مواد خوراکی مثل شیرینی، آجیل، میوه و غذاهایی که خودشان در بند پخته و با خانواده‌هایشان آورده بودند کم‌کم تمام ردیف‌های صندلی از زندانیان سیاسی مرد پر شد و ما چند نفر در ردیف جلو قرار گرفتیم. بعداً متوجه شدیم که حتی از بند عادی مردان هم تعدادی در جشن شرکت کرده بودند و حتی نگهبانان زن و مرد هم می آمدند، از مواد خوراکی استفاده می کردند و می رفتند مراسم شامل سکوت برای شهدا، سخنرانی درباره کردستان و تاریخچه آن، سرود و چند سخنرانی دیگر که توسط زنان و مردان اجرا شد. در آخر همه به هواخوری رفتند و دسته جمعی رقصیدند و طبیعتاً ما زنان هم در آن شرکت داشتیم.

در مقایسه با وضعیتی که ما در زندان‌های ایران داشتیم آن‌ها مثل این که در خانه‌هایشان زندگی می کردند. بند کلاً در اختیار خود زندانیان، چه عادی و چه سیاسی بود. تلویزیون همیشه برایشان آزاد بود ولی بر اساس مقررات خود آن‌ها از نیمه شب به بعد صدای آن باید بسیار کوتاه می بود. زندانیان عادی شب‌ها تا صبح بیدار بودند و به عیش و عشرت می گذراندند. مواد مخدر، قرص‌های هیجان‌زا، برنامه‌های استریپ‌تیز، رقص و حتی بعضی از آن‌هایی که پنجره اتاق‌هایشان به طرف هواخوری مردان باز بود. از طریق پنجره مردان با آن‌ها به گفتگو می پرداختند. تمام روز را می خوابیدند. بعد از ظهر بیدار می شدند و در آشپزخانه به نوبت مشغول غذاپختن می شدند. آشپزخانه بند شامل یک اجاق سه‌شعله گازی بود. اتاق‌ها را براساس سلیقه خودشان تزئین می کردند و هر ملتی سعی می کرد در یک اتاق جمع شود. روس‌ها برای خودشان اتاق جداگانه داشتند. اتاق کوچکی به دو سیاه‌پوست ساکن انگلیس تعلق داشت. آن‌ها متهم

به قاچاق مواد مخدر بودند. یکی از آنها که هیکل بسیار بزرگی داشت در بند اتوریتته خاصی داشت و سعی می کرد همه چیز را به نفع خود تمام کند. دختری از آذربایجان شوروی که قاچاقچی مواد مخدر بود که به علت این که مدتی طولانی آن جا مانده بود، برای خودش حق و حقوقی قابل بود. او را به این دلیل آن جا نگه داشته بودند که مرتب به دادگاه می رفت و هر بار از میزان حکمش کاسته می شد و فرار بود او را به کشورش تحویل دهند. زنان اروپایی، مثل آلمانی ها و هلندی ها، که همه متهم به داشتن مواد مخدر بیش از مصرفشان بودند، در یک اتاق قرار داشتند. به همراه زن قاچاقچی هلندی یک دختر هلندی هم دستگیر شده بود. او نیز ساکن هلند و شریک خانم هلندی بود. اکثر کسانی که از اروپای شرقی آمده؛ به دلیل ورود غیرقانونی به ترکیه و فحشای غیرقانونی دستگیر شده بودند. هر شب دسته ای از آنها را می آورند و فردا آنها را در مرزها می کردند. اکثر آنها لهستانی بودند. یکی از آنها که خبره ورود غیرقانونی بود می گفت، مهم نیست می روم یک پاسپورت دیگر می گیرم و برمی گردم. چون ترکیه در پاسپورت آنها مهر قرمز می زد. آنها نمی توانستند دیگر از آن پاسپورت استفاده کنند.

مشکل عمده بند، قطع مداوم آب و حتی چند روزه بود که آنها در اتاقشان ظرف هایی مخصوص نگه داری آب داشتند و به همین دلیل حمام بند عملاً غیرقابل استفاده بود. هر کس در اتاق خودش در سطل های بزرگ آب المنت می گذاشت و آب را گرم و در توالت اتاق حمام می کرد. بعد هم، همان جا لباس هایش را می شست.

گرچه طی مدت کوتاهی که ما با بچه های سیاسی ترکیه گذرانیدیم بسیار لذت بخش و فراموش ناشدنی بود ولی اعتصاب غذاهای مداوم آنها به حمایت از اعتصابیون سایر زندان ها با توجه به وضع جسمی شان، یادآور تلخی و دهشت زندان است. هرچند به ظاهر حق و حقوقی برایت قابل باشند و اگرچه همین را هم با مبارزه در زندان کسب کرده باشی.

مستندسازی جنایات رژیم جمهوری اسلامی

در صدد چاپ سوم کتاب سیاه ۶۷: اسناد نسل‌کشی کمونیست‌ها، انقلابیون و زندانیان سیاسی ایران با ویرایش جدید، براساس اطلاعات و اسناد دریافتی هستیم. با تشکر از تمامی دوستانی که تاکنون اسامی اطلاعات و عکس‌های جانفشانان و جان‌باختگان کشتار سراسری ۱۳۶۷ را برایمان ارسال کرده‌اند، مجدداً از تمامی کسانی که می‌توانند در مستندسازی جنایات رژیم یاری رسانند درخواست می‌کنیم که اطلاعات و یا مدارک خود را به آدرس نشریه ارسال کنند:

Dialog / Postamt1 / Postlagernd

04109 Leipzig / Germany

فرم گردآوری گزارشات مربوط به جانفشانان و جان‌باختگان در زندانیان‌های رژیم جمهوری اسلامی

۱- نام خانوادگی:

۲- نام:

۳- محل تولد:

۴- تاریخ تولد:

۵- تاریخ دستگیری:

۶- محل کشته شدن:

۷- تاریخ کشته شدن:

۸- نحوه قتل از سوی رژیم:

۹- اتهام:

۱۰- توضیحات:

۱۱- شماره ردیف در فهرست منتشره گفتگوهای زندان:

گزارش شاهد:

چه اطلاعات یا خاطره‌ای از او دارید؟

در چه بندها و زندان‌هایی از او اطلاع دارید؟

آخرین اطلاعاتی که از او دارید؟

...

توضیح مترجم

Warum nicht foltern? عنوان اصلی مقاله‌ای است به زبان آلمانی که برگردان فارسی آن در پی این توضیح آمده است. این مقاله به قلم پرفسور نرمن پش^۱ به تاریخ 6.12.1997 انتشار یافت. پش متولد سال ۱۹۲۸ میلادی در آلمان است. او کارمند عالی‌رتبه وزارت همکاری‌های اقتصادی بود. اما از این مقام کناره گرفت و به تدریس در دانشگاه هامبورگ روی آورد. وی سپس با سمت استادی روانه مدرسه عالی اقتصاد و سیاست در هامبورگ شد.

نرمن پش علاوه بر کتب علمی و تحقیقاتی، متجاوز از یکصد مقاله، به‌ویژه پیرامون استعمار و افریقا، خاورمیانه و فلسطینی‌ها، افغانستان، کردستان، ناتو و جنگ‌افروزی، خلع‌سلاح اتمی و حق ملل نگاشته است. او اخیراً طی مصاحبه‌ای با روزنامه یونگ ولت پیرامون تبلیغات رسانه‌های جمعی با عنوان "آشوب کردها در اروپا" گفت: آن زمان که کردها به تظاهرات و اقدامات معمول سیاسی می‌پرداختند چه کسی به مسئله خلق کرد توجه نشان داد؟ بنا براین اگر امروز چنین می‌کنند این حق آن‌هاست.

پش پیرامون انگیزه‌اش در نوشتن مقاله حاضر می‌گوید: بورژوازی سر آن ندارد که به حقوق اساسی و اولیه انسان‌ها گردن نهد. در همین آلمان همواره و مداوم این تلاش‌های ارتجاعی جریان دارد. چه در زمینه‌سازی نظری و روانی و چه با گام‌های سیاسی و عملی.

نخبه

چرا

شکجه

روا

نداریم؟

از: نرمن پش

Norman Paech

مترجم: سامان بهروزی

مثلاً چرا این آقای وزیر کشور از حزب سوسیال دمکرات دوباره برای اعمال فشار بر خارجی‌ها و پس‌فرستادن تعقیب‌شدگان سیاسی موضوع "قایق پر است" را پیش کشیده؟ مقاله پروفیسور شهرتمند هایدلبرگ مرا بر آن داشت حتماً پاسخی به او بدهم. این مقاله را ابتدا برای روزنامه به اصطلاح چپ‌گرای TAZ فرستادم. چرا که خریداران بیشتری دارد. آن‌ها از انتشارش خودداری نمودند و با ساده برگزار کردن مسئله گفتند من برای خودم حریف کاغذی درست می‌کنم. مبارزه پش‌ها برای منع کاربرد شکنجه به‌عنوان وسیله‌ای قانونی، توجیه شده و پذیرفتنی است.

اما هدف از گزینش این مقاله و شرح حاضر، کوشش جهت نشان دادن گوشه‌ای از مبارزه برای تأمین و حفظ حقوق اولیه و مسلم انسانی در جوامعی است که قوای حاکمه‌شان به بهانه پیامبری این ارزش‌ها، هر سوی جهان جنایت و کشتار براه می‌اندازند در حالی که هم‌زمان برای لگدمال کردن این حقوق در خانه تحت حکومت‌شان؛ از هیچ ابزار شنیع و اقدام کثیفی دریغ نمی‌ورزند. برکشیدن ماسک از چهره مدعیان دروغین حقوق بشر و روشنی بخشیدن به محتوای طبقاتی و بعد سیاسی این مقوله اقدامی است ضروری در غنای بحث جامعه و آزادی انسان.

○ کدام سفر کرده به اسپانیا گمان می‌برد که در سرزمین فراغت و تعطیلاتش هنوز هم شکنجه صورت می‌گیرد؟ جایی که نخوانده است! عضویت اسپانیا در اتحادیه اروپا هم بمنزله سند رسمی و خدشه‌ناپذیر تحقق کامل حقوق بشر [در این کشور] است. در بهترین حالت درباره ترکیه شنیده‌ایم - آن‌هم در کنار اخبار مربوط به جنگ و بحران حکومتی - که شکنجه صورت می‌گیرد: دیوان قضایی اروپا ویژه حقوق بشر اخیراً صحت این شکایات را تأیید نمود. وسائل ارتباط جمعی ما چه رازپوشانه هم‌چنان با احکام دادگاه عالی اسرائیل برخورد می‌کنند. احکامی که طی آن‌ها کاربرد شکنجه برای بازجویی پلیسی مجاز اعلام می‌شود. این اعتراف [اعمال شکنجه] که دهه‌های متوالی است از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل مورد نکوهش قرار می‌گیرد نه تعیین وظیفه [از امروز دواتر امنیتی] که پیشبرد و ادامه آن است.

البته حالا دیگر دادگاه غیرنظامی اسپانیا^۲ به تاریخ ۷ اکتبر سال جاری [۱۹۹۷] بنیامین رامزوغا^۳ را پس از استردادش از برلین و یک محاکمه دو روز و نیمه عاجل به ۱۱ سال و چهار ماه زندان محکوم کرده است: به خاطر "یاری یک سازمان مسلح" و "جعل پلاک اتومبیل". منظور از سازمان، "کماندوی بارسلون" تشکیلات اتای <ETA> باسک و از یاری، کرایه اتومبیلی برای فرار است. چرا که قضات نتوانستند او را مسئول مواد منفجره در آپارتمانی که در اجاره او بود معرفی کنند. اما آنها دفاعیه او را مبنی بر این که هویت سیاسی افرادی را که در اتومبیل کرایه‌ای همراه می‌برده نشناخته است نپذیرفتند. آنها [قضات] به شهادت دو تن از اعضای اتا که در این میان به زندان‌های طویل‌مدت محکوم شده‌اند و در حضور قاضی بازپرسی اظهار نموده‌اند، استناد می‌ورزند.

آیا رامزوغا ساده لوح بود یا غیرقابل اعتماد؟ این سوال دیگر اهمیت ثانوی یافته است. چرا که هر دو شاهد [اعضای اتا] گفته‌هایشان را در دادگاه پس گرفته‌اند: آنها می‌گویند در اثر شکنجه این شهادت را داده‌اند.

این قبیل ادعا از سال‌ها پیش علیه ادارات قضایی اسپانیا مطرح می‌شوند. آن‌هم نه فقط از سوی سازمان‌های حقوق بشر خود این کشور بلکه همچنین از سوی عفو بین‌الملل، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و دائره ضد کاربرد شکنجه سازمان ملل. تمام این مجموعه بیش از همه یک چیز را مورد هدف قرار می‌دهند: زندان ایزولاسیون، به این معنی که زندانیان تا پنج روز از هر گونه ارتباط با جهان خارج و هر نوع حمایت حقوقی محروم هستند و مورد بدرفتاری پلیس امنیتی^۴ قرار می‌گیرند. ضرب و جرح، شکنجه با پاکت نایلونی برای خفگی، تیرباران نمایشی، شوک الکتریکی، تجاوز جنسی از جمله موارد بی‌شماری هستند که با تأیید پزشکی مستند گردیده‌اند. همان‌گونه که در مورد این دو عضو اتا هم صورت پذیرفت.

در این باره دادگاه عالی برلین نمی‌تواند در پی تأیید حکم تحویل رامزوغا از زیر مسئولیت شانه خالی کند. دادگاه شرط (استرداد) را بر این قرار داد که هرگونه شهادتی که در اثر شکنجه کسب شده باشد، اجازه کاربرد علیه متهم نیابد. دادگاه مادرید "پیشنهاد" (دادگاه) آلمان را با ابروداری ناشیانه‌ای پاسخ گفت، به این صورت که اشاره نمود اتهامات شکنجه قانوناً اثبات نگردیده‌اند - هر

دو شاهد ظاهراً به علت مقاومتشان به هنگام دستگیری، خود موجب جراحتهای شده‌اند. به این ترتیب اثبات انتقاد دوم سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر هم به ظهور رسید که دستگاه قضایی اسپانیا را مورد تقبیح قرار می‌دهند زیرا نه فقط بی‌جهت روش بدرفتاری را تعقیب می‌کند، بلکه با بهره‌برداری حقوقی از اطلاعات بدست‌آمده در اثر کاربرد شکنجه، این اقدامات را مورد حمایت هم قرار می‌دهد.

مشابه این را در کشورهای حاشیه اروپا، فقط در مورد ترکیه می‌توان یافت. تا چندی قبل زندان ایزولاسیون در مناطق اشغالی کردنشین سی ۳۰ روز بود. که اینک به ده ۱۰ روز کاهش یافته و در موارد جرم‌های معمول چهار روز است. - با این وجود همین نیز فرصتی است کافی برای انواع شکنجه‌ها، یعنی چیزی که کمافی‌السابق در دستور روز است. دادگاه‌های ترکیه و ادارات دولتی دلیلی نمی‌بینند که در این وضع تغییری به‌وجود آورند، آن‌هم تا وقتی که در دولتی که ظاهر تنها دمکراسی بالفعل در خاورمیانه را داراست، یعنی اسرائیل، دادگاه عالی‌اش شکنجه را از زرادخانه روش‌های بازجویی پلیس و دادستانی حذف نکرده است.

سال ۱۹۸۷ کمیسیون لنداًو^۵ برای بازجویی در موارد فعالیت‌های تروریستی اعمال فشار روحی و به میزان اعتدال فیزیکی^۶ را پیشنهاد نمود. کمیسیون ابزار و امکانات احتمالی (برای این منظور را) در یک ضمیمه محرمانه با ذکر جزئیات نام برده است. طی پروسه بازجویی از فلسطینی‌ها در حدود ۲۳۰۰۰ مورد در بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۴ محرز گردید که کاربرد همین طرق شکنجه درست همان چیزی است که از سوی کمیسیون ضدشکنجه سازمان ملل به عنوان "کاملاً غیر قابل قبول" و "تقض آشکار پیمان‌نامه ضدشکنجه" نامیده شده‌اند یعنی: به زنجیر کشاندن در داور، ایجاد خفگی، موزیک بلندطنین، جلوگیری از خواب، تهدید به مرگ، تکان شدید. تنها موقعی که این "تکان‌ها" موجب مرگ یک فلسطینی زندانی در سال ۱۹۹۵ شد، دادگاه تجدیدنظر^۷ در اورشلیم مجبور گشت به این موضوع رسیدگی کند که اینک در چهار مورد احکام صادر شده، دادگاه این روش‌های نکوهیده را به موجب وضعیت فوق‌العاده^۸ توجیه نموده است، چرا که اطلاعات به دست‌آمده می‌توانند

در شرایط معین موجب نجات جان انسان‌ها شوند. موضوع درست همین جا است. بطوری که شکنجه بیش از آن که برای اعتراف به جرم خود به کار رود، برای اعمال فشار به منظور کسب اطلاعات و اسامی استفاده می‌شود.

بر سر همین نکته، سوال مورد اشاره برای ما (در آلمان) نیز مطرح است. نمی‌بایست ما هم در شرایط بی‌نهایت تهدیدکننده، استفاده از وسیله‌ای چون شکنجه را توسط دولت مجاز شماریم؟ یعنی اینکه از اسرائیل، از اسپانیا و یا از ترکیه بیاموزیم؟ چه کسی پرزیدنت سابق ایالت نیدرزاکسن، ارنست آلبرشت را به خاطر می‌آورد که در سال ۱۹۷۶ با طرح موضوع تهدید یک شهر به وسیله سلاح‌های شیمیایی هیاهو به راه انداخت: کاربرد قهر علیه تهدیدکننده، برای کسب اطلاع از محل اختفای بمبی که برای انفجار لحظه‌شماری می‌کند؟ خوشبختانه این فقط یک زایش مغزی بود- اما درست بیست سال بعد فانتزی خطر تهدیدکننده و مسئله تولدی تازه را تجربه می‌کنند. وینفرید بروگر^۸ استاد فلسفه حقوق از هایدلبرگ در مجله کنسرواتوو و وزین علوم سیاسی، حقوق سیاسی و تاریخ قانون اساسی به نام "دولت"^۹ در مقاله‌ای تحت عنوان "آیا دولت در موارد استثنایی مجازات شکنجه کند؟"

با پیش کشیدن این سوال به موانع حقوقی و فلسفی این کار می‌پردازد. او تلاش می‌ورزد حکم و تصمیمی را دور بزند. ولی این خود یک حکم و تصمیم هست: اقدام علیه ممنوعیت مطلق اعمال شکنجه. او معتقد است که نه فقط به دلائل فرضی بلکه به استدلال حقوقی دست یافته است که می‌توان با تمسک به آن ممنوعیت دولتی گام نهادن در این راه (یعنی اعمال شکنجه) را دور زد: اگر قرار باشد تروریستی وجود داشته باشد، پس فقط از جانب دولت. در همه جدل‌های حقوقی دهه‌های اخیر اصل مطلب هم همین بوده است که این ممنوعیت از هر استثناء و فرو ریزش محفوظ داشته شود.

چه چیز وادارش می‌کند که او (بروگر) خود را هم چون الاغ بوریدانس^{۱۰} میان دو چوب‌دست گرفتار سازد به طوری که لاجرم توشه استدلالش ته کشد؟ زندانی که او می‌سازد و خود را در آن به بند می‌کشد چنین است. یا رعایت شرافت، ممانعت از صدمه جسمانی و آزادی تصمیم و اراده فرد تهدید کننده (تروریست) یا حفظ آبرو و حیات ساکنین شهر (فرضی) S - که با توجه به شواهد امر،

شمای دیگری جز آن غیر ممکن است. چرا که طریق سومی مبنی بر تسلیم به درخواست تهدید کننده برای پول، افراد گروگان، اتومبیل فرار و غیره برای او از قید امکان خارج است. برای بروگر این تنها ممنوعیت مطلق و پذیرفته شده است - همانگونه که بیش از بیست سال قبل در مورد ربوده شدن شلایر^{۱۱} چنین بود.

کیفیت دلائل انحرافی او از تذکراتش پیرامون تیر خلاص نجات^{۱۲} منتج می‌گردد. کاربرد آن مطابق قانون پلیس بادن ووتنبرگ^{۱۳} در صورتی مجاز است که به عنوان تنها وسیله برای رفع خطر جانی در لحظه حاضر باشد و یا از خطر یک صدمه جسمی مهلک در همان زمان (کاربردش) ممانعت به عمل آورد. در سنجش مزایا و معایب این کار، مثلاً در مورد یک تهدید تروریستی، بروگر می‌گوید این برای تهدیدکننده هم بهتر است زیرا شکنجه مساوی با مرگ نیست. این است آنچه که چنین قیاسی را موجه می‌سازد.

حال ابراز تردیدهای مهم (پیرامون جنبه‌های) اخلاقی، سیاسی و حقوقی در مخالفت با کاربرد تیر خلاص^{۱۴} را فراموش کنیم. زمان زیادی از مبحث کفایت انطباق مشخصات فرد با فهرست رده‌بندی پلیس برای اجرای تیر خلاص در مورد فرد مزبور نگذشته، حالا همین را توجیهی برای شکنجه او هم قرار می‌دهند. این که این‌ها چه نتایجی می‌توانند به‌بار آورند و چگونه یک همسان‌انگاری پله‌کانی همه چیز را توجیه می‌کند، ما آن‌ها را به وارثین آبرشت و بروگر وا می‌نهمیم. برای ما اکنون این سوال جدی مطرح است: پس از (به‌کارگیری) شهادت همدست^{۱۴}، قطع تماس و ارتباط (زندانی)، تیر خلاص و استراق سمع^{۱۵} خب چرا شکنجه روا نداریم؟

Ossietzky, Wochenzeitschrift für Politik /Kultur/ Wirtschaft ^۱

Audencia National ^۲

Benjamin Ramos Vega ^۳

Guardia Civil ^۴

Landau ^۵ کمیسیون لندآو (بنام شخصیتی اسرائیلی) در سال ۱۹۸۷ از سوی دولت اسرائیل جهت تحقیق پیرامون نحوه بازجویی و کاربرد شکنجه توسط سرویس امنیتی جی اس اس (General Security Service) برای مقابله با تروریست‌های دشمن^۶ به وجود آمد.

High Court ^۶

vital and urgent need ^۷

Winfried Brugger ^۸

Der Staat ^۹

^{۱۰} الاغ بوریدانس در داستانی به همین نام از زبان حیواناته الاغی است که بر سر این دو رهنی گرفتار آمده که از کدامیک از دو پشته کاه در کنارش رفع گرسنگی کند و به این دلیل از گرسنگی می‌میرد.
^{۱۱} Hans Martin Schleyer به هنگام ربوده شدنش در سال ۱۹۷۷ رئیس اتحادیه کارفرمایان آلمان بود. هدف راف (RAF: Rote Armee Fraktion) از گروگانگیری شلایر، بهبود شرایط زندان و آزادی زندانیان سیاسی بود. طی این دوره سیاسی در آلمان، دولت ائتلافی سوسیال دمکرات-لیبرال نه تنها گاهی در اجرای این خواسته‌ها برنداشت بلکه برعکس بر شدت فشار به ویژه شکنجه‌های روانی در مورد زندانیان افزود تا آنجا که آشکارا با تغییر قوانین بسیاری (که تا به امروز جاری هستند) حقوق ابتدایی زندانیان سیاسی و حتی وکلایشان را پایمال نمود. موضوع غیرقابل تمطاف دولت آلمان در قبال شرایط راف برای رها کردن شلایر، چریک‌های راف را بر آن داشت که پس از هفته‌ها اختفا و نقل و مکان او برای گریز از محاصره‌های پلیس، سازمان‌های اطلاعاتی و ارتش، او را به قتل رسانند.
^{۱۲} منظور از "تیر خلاص نجات"، هدف‌گیری آن‌گونه اعضای بدن توسط نیروهای امنیتی است که موجب مرگ آنی مضروب و نجات گروگان‌های احتمالی گردد.

^{۱۳} Baden - Wurttemberg یکی از شانزده ایالت در تقسیمات کشوری جمهوری فدرال آلمان است.

^{۱۴} شهادت همدست (Kronzeuge)، بکارگیری شهادت داوطلبانه یک متهم درباره متهم دیگری است و یاداش و بخشش را نصیب متهم اولی (شهادت‌دهنده) می‌کند.

Lauschangriff ^{۱۵}

فرم اشتراک

نام.....

نشانی.....

شماره تلفن.....

۴ شماره - ۴۰ مارک

۸ شماره - ۸۰ مارک

شروع اشتراک از شماره:

لطفاً بهای اشتراک را به شماره حساب:

Sparkasse Leipzig

BLZ 860 555 92

Konto: 1800962521

واریز کرده و کپی فیش آنرا به همراه این فرم به آدرس نشریه ارسال کنید.

Dialog

Postamt 1

Post lagernd

04109 Leipzig

کتاب‌ها

و

نشریات رسیده

دگرگونی ارتباطات

نشر سپید مجموعه مقالاتی را با عنوان دگرگونی ارتباطات منتشر ساخته است. این مجموعه شامل مقالات و ترجمه‌هایی از دکتر فریبرز رئیس‌دانا، نیکلاس باران، راپوترا راندا، آن اوکرسون، کن هیرش، دکتر محمود عبادیان و... می‌باشد.

در مقدمه این مجموعه، تحت عنوان "گشایشی چند سویه"، آمده است:

"هر نسل از میراث نسل پیشین بهره‌مند می‌شود و پژوهش در ایران میراث اندک، از هم گسسته و منفردی دارد. سال‌های آخر قرن بیستم شاهد تنوع بی‌شمار حوادث است. حوادثی از دگرگونی‌های عظیم سیاسی گرفته تا تغییرات به‌ظاهر کوچکی که همگی به نحوی از انقلاب ارتباطی دهه‌های

اخیر متأثرند. سیل این وقایع به ایران نیز رسیده و با همه نکات مثبت و منفی آن، متأسفانه تاکنون بحث مستقلاً تحت عنوان دگرگونی ارتباطات شکل نگرفته است.

کتاب در بخش‌های اقتصادی با پنج مقاله، اجتماعی با دو مقاله، فنی و کاربردی با یک مقاله و دیدگاه‌ها با یک مصاحبه و یک مقاله در ۱۸۰ صفحه تنظیم شده است.

دگرگونی ارتباطات

دکتر فریبرز رئیس‌دانا، محمد ایزدجو
نیکلاس باران، مترجم: سعید خرسند
راپوترا راندا، مترجم: مهندس مرتضی دهایی
کن هیرش، مترجم: پرویز صدیقت
آن اوکرسون، مترجم: مهندس آرام قریب
مدرا دژم‌تیه، مصاحبه با دکتر محسنیان واد
نوشته‌ها و مصاحبه‌ها، مترجم: دکتر محمود عبادیان

نشر سپید

مقدمه‌ای بر تئوری اقتصاد سوسیالیستی

این کتاب توسط حمید پویا با یک پیشگفتار و هفت فصل در ۱۹۸ صفحه تالیف شده است. مولف در آغاز کتاب می‌نویسد:

اثر حاضر شامل یک بررسی و تحلیل تئوریک و مقدماتی از اقتصاد سوسیالیستی است که اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین ایده در مطالب ارائه شده در آن، که اقتصاد سوسیالیستی را ماهیتاً به مثابه روند مداوم نابودی بقایای شیوه تولید سرمایه داری در جامعه سوسیالیستی و ایجاد شیوه تولید کمونیستی محسوب می‌دارد، ایده‌ایست که من در بیش از هفده سال پیش بدان پی‌بردم. به‌علاوه خیلی از مطالب و نظرات مختلف دیگری را که در این اثر ارائه نموده‌ام در اساس خود به سال‌های گذشته و تا هفده سال پیش برمی‌گردند که به علی‌من قادر به چاپ و انتشار آن‌ها نشده‌ام...

در فصل‌های هفتگانه کتاب به مطالب زیر پرداخته می‌شود:

کلیاتی درباره مفهوم سوسیالیسم و اقتصاد سوسیالیستی، سوسیالیسم به مثابه روند نابودی تضاد انسان با انسان، شیوه کار در اقتصاد سوسیالیستی، تولید و مبادله کالایی در اقتصاد سوسیالیستی، قانون اساسی و عام تولید سوسیالیستی، ملاحظاتی پیرامون تولید سوسیالیستی و قانونمندی اساسی آن، مسئله سوسیالیسم در اتحاد شوروی سابق.

مقدمه‌ای بر تئوری اقتصاد سوسیالیستی

حمید پویا

آدرس برای تهیه کتاب:

H. Pouya
Hauptpostlagernd
53111 Bonn / Germany

آیه‌های شیطانی

(Satanischen Verse)

نوشته: سلمان رشدی

درست به همان مکتبی تعلق دارند که این کتاب به منظور افشاگری رازهای نهفته آن نوشته شده است.

در دفاع از مارکسیزم ۲

شماره دوم در دفاع از مارکسیزم در تابستان ۱۳۷۸ منتشر شد. این شماره حاوی مقالات و ترجمه‌هایی از م. آگاه، جابر کلیمی، ارنست مندل و... می‌باشد. در "سرسخن" هیات تحریریه می‌خوانیم:

"به باور مارکس و انگلس، ایده‌های حاکم بر هر عصری ایده‌های طبقه حاکم هستند. به استثنای دوران‌های بحران انقلابی، نمی‌توان انتظار داشت که ایده‌های انتقادی، و نه فقط مارکسیزم، بتوانند بر جامعه و یا حتی بر محیط‌های آکادمیک تسلط یابند. وقتی در عصر کنونی مارکسیست‌ها می‌گویند که "ما در عصر ارتجاع روشنفکری به سر می‌بریم"، در واقع مفهومی وسیع‌تر از این که عقاید هوادار سرمایه‌داری بر جامعه ما حاکم است را در نظر دارند.

آیه‌های شیطانی

آیه‌های شیطانی نوشته سلمان رشدی توسط کار جمعی فردین علمی، کیوان خلج‌آبادی، حسین میرزایی، سیف‌الله الله‌وردی، ترانه آزادخوانی به فارسی برگردانده شده است. در مقدمه کتاب می‌خوانیم:

"این کتاب به خاطر آن ترجمه شده است که گویای پیامی است، و شرایط کنونی ایجاب می‌کند که این پیام به گوش تعداد هرچه بیشتری از فرزندان ایران که ممکن باشد، برسد.

... هر چند این کتاب را برای عموم هم‌میهنانم ترجمه کرده‌ام، ولی خواندن آن را به پیروان مکتب "تعصب" توصیه نمی‌کنم، زیرا آن‌ها

در دفاع از مارکسیزم

۲

لایسنس ۱۳۶۸

اتحاد شوروی سابق و اروپای
شرقی.

هدف از انتشار این شماره در دفاع
از مارکسیزم بررسی جوانبی از این
پدیده‌ها، حفظ دستاوردهای
مارکسیزم انقلابی و حرکت بر
خلاف این جریان کلی حاکم بر
دنیا کنونی است.

آدرس برای تهیه کتاب:

DDM-IRA, La Breche
8, Rue de Romainville
75019 Paris - France

در آلمان:

PLK: 022104 B
47051 Duisburg / Germany

تأملاتی در باره مارکس و جهتی شدن سرمایه
رژیم سیاسی جامعه بورژوازی
مارکس، بحران کنونی و آینده کار - اولست مندل
بن بست ایدئولوژی بازار - ژ. الیازسمن
نقش و جایگاه رزا لوکزامبورگ در جنبش بین‌الملل کارگری
۱۹۲۰-۱۹۲۱ سال‌های تاریک، انهن و نرونسکی

نشریات رسیده

راه کارگر، ارگان سازمان کارگران
انقلابی ایران

توفان، ارگان سیاسی مشترک جهت
تدارک کنگره مؤسس حزب واحد طبقه
کارگر

مجاهد، نشریه مجاهدین خلق ایران

کارگر سوسیالیست، نشریه اتحادیه
سوسیالیست‌های انقلابی ایران

پیوند، نشریه کانون سیاسی فرهنگی
پیوند

آوریل

بولتن خبری تریبونال بین‌المللی

س—وگ مارکسیست‌ها در
راستروی کل دنیا را در سه
جهت می‌توان مشاهده کرد:

۱- راستروی در درون خود
ایدئولوژی سرمایه‌داری حاکم و
حرکت هرچه بیشتر به سوی عقاید
راست افراطی و ارتجاعی، عمدتاً
در گستره اقتصادی؛

۲- راستروی با قدم‌های
بلندسرّیع روشنفکران چپ هوادار
مارکسیزم یا سوسیالیزم؛

۳- شتاب گرفتن این راستروی‌ها
به واسطه فروپاشی رژیم‌ها در

آوریل

بولتن خبری تریبونال بین‌المللی

اتحاد کار، ارگان مرکزی سازمان اتحاد

فدائیان خلق ایران

پیام فدایی، ارگان چریک‌های فدایی

خلق ایران

کار، ارگان سازمان فدائیان (اقلیت)

کار کمونیستی، ارگان اتحاد فدائیان

کمونیست

سوسیالیسم، ارگان هسته اقلیت

بولتن سیاسی خبری اتحاد چپ

کارگری

جهان امروز

نقطه،

حقیقت، ارگان اتحادیه کمونیست‌های

ایران (سرمداران)

کار، ارگان سازمان چریک‌های فدایی

خلق ایران (کمیته خارج)

نبرد خلق، ارگان سازمان چریک‌های

فدایی خلق ایران (پیرو برنامه هویت)

راه آینده

مردم، ارگان حزب توده ایران

گزارش، شورای دفاع از مبارزات

خلق‌های ایران

کمون، ارگان سیاسی تئوریک شورای

کار

طرحی نو،

آوای زن

میراث ایرانیان

دفتر نشریه سیاسی - فرهنگی - ادبی -

اجتماعی - هنری

نامه‌های

رسیده

✍ با تشکر از ابراز لطف‌تان،

نامه‌هایتان به‌دستمان رسید:

آلمان، بن، خمید پویا - پاسخ

مستقیماً ارسال خواهد شد.

سوئد، ادیسون - در شماره آتی

بخش‌هایی از نامه شما برای اطلاع

خوانندگان چاپ می‌شود.

آلمان، برلین، سارا ارمنی - مقاله

شما رسید. انتشار آن با توجه به

موضوع کار گفتگوهای زندان برای

ما میسر نیست. با تشکر از توجه و

همکاری شما.

کانادا، ونکوور م. - نامه و اخبار

ارسالی شما رسید. امیدواریم

همکاری خود را با ما همچون

گذشته، ادامه دهید.

آلمان، مرکز فرهنگی هایدلبرگ -

کتاب‌های درخواستی شما ارسال

شد. متشکر می‌شویم اگر ما را از

دریافت آنها آگاه سازید.

عراق، بغداد ص.ی. - نامه‌ها و کارت تبریکتان رسید. متشکر می‌شویم اگر تعداد کتاب‌های مورد نیازتان را برایمان مشخص کنید.

فرانسه، لیل پرویز لک - از دریافت نامه و شعر شما خوشحالیم. در انتظار کارهای بعدی شما هستیم و دستتان را از دور می‌فشاریم.

آلمان، کیل راستی جو - نامه شما رسید. قسمت‌هایی از آن جهت اطلاع سایر خوانندگان در شماره آتی درج خواهد شد.

هلند، آمستردام - بولتن خبری تعرض به مرکز جاسوسی - تروریستی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی رسید.

آلمان، کرونزهاگن م.ه. - نامه شما رسید. از اطلاعات ارسالی شما متشکریم.

اتریش، وین شورای دفاع از مبارزات خلق‌های ایران - نامه و نشریات ارسالی شما رسید.

آلمان، برلین لیگا - بروشورهای ارسالی رسید.

رومانی، بخارست ا.ص. - نامه و مطالب شما رسید. برای شما پاسخی جداگانه ارسال خواهد شد.

سازمان فدائیان خلق (اکثریت) - فهرست ارسالی شما رسید.

آلمان، کلن احمد شهنام‌پور - امیدواریم هرچه زودتر مشکلات شما و سایر پناهندگان حل شود. همانطور که می‌دانید برای دفاع از حقوق پناهندگان در آلمان کارزار سراسری آغاز شده که نیروهای مختلف ضدفاشیست و ضدنژادپرستی و همچنین پناهندگان کشورهای مختلف آن را تحت عنوان "کاروان" سازماندهی می‌کنند. امیدواریم با حضور و پشتیبانی فعال همگی، در چنین کارزاری، شرایط عمومی برای خارجیان و پناهندگان بهبود یابد.

با پوزش از دوستانی که برای ما نامه یا مطلب ارسال کرده‌اند، بدلیل تراکم مطالب، درج آنها به شماره آتی موکول می‌شود.

کمک‌های مالی به گفتگوهای

زندان:

آلمان، ماینز م. - کمک ماهانه ۲۰ مارک
آلمان، برلین ن. - ۱۵۰ مارک
آلمان، لایپزیک ب. ج. - ۱۰۰ مارک
کانادا، ونکوور ا. - کمک مالی همراه با مبلغ نشریات رسید.

آبونمان شوید!

تداوم انتشار "گفتگوهای زندان" بدون یاری خوانندگان آن ممکن نیست. برای برنامه‌ریزی مناسب‌تر و توزیع به موقع این فصل‌نامه، آنرا **آبونمان شوید!**

شرایط و فرم آبونمان در همین شماره چاپ شده است.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

Prison`s Dialogue

No. 3 2000 Februar

